

فرهنگ صرفی قرآن کریم (معتل-مهموز-مضاعف)

www.ketab.ir

مؤلفان

کامران پاشایی فخری - پروانه عادل زاده

اعضای هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز

سرشناسه	پاشایی فخری، کامران، ۱۳۴۶.
عنوان و پدیدآور	فرهنگ صرفی قرآن کریم (معتل - مهموز - مضاعف)/مؤلفان کامران پاشایی فخری و پروانه عادلزاده
مشخصات نشر	تبریز: دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز، ۱۳۹۹.
مشخصات ظاهری	۲۵۵ ص.
فروست	دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز، ۲۷۸؛ ادبیات فارسی ۵
شابک	۹۷۸-۹۶۴-۱۰-۶۳۰۲-۵
وضعیت فهرست‌نویسی	فپا
یادداشت	چاپ دوم
موضوع	قرآن -- صوف و نحو -- راهنما آموزشی (عالی)
موضوع	قرآن -- فعل -- راهنما آموزشی (عالی)
شناسه افزوده	عادلزاده، پروانه، ۱۳۵۳.
شناسه افزوده	دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تبریز
رده‌بندی کنگره	BP ۸۲/۷
رده‌بندی دیویدی	۲۹۷/۱۵۳
شماره کتابخانه ملی	۷۳۹۴۹۵۴
	Koran .Grammar—Study and teaching (Higher)
	Qur'an .Verb—Study and teaching (Higher)
	Islamic Azad University, Tabriz Branch



www.ketab.ir

عنوان کتاب	فرهنگ صرفی قرآن کریم (معتل - مهموز - مضاعف)
مؤلفین	دکتر کامران پاشایی فخری و دکتر پروانه عادلزاده
ناشر	دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز
تاریخ نشر	۱۳۹۹
نوبت چاپ	اول برای این ناشر
تیراژ	دوهزار جلد
چاپ	دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز
شابک	۹۷۸-۹۶۴-۱۰-۶۳۰۲-۵
قیمت	۳۵۰۰۰ ریال

مرکز بخش و فروش: تبریز، ضلع شرقی اتوبان پاسداران، مجتمع دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز،
کتابسرای دانشگاه، کد پستی ۵۱۵۷۹۴۴۵۳۳ تلفن ۳۱۹۶۶۲۳۰-۴۱
حق چاپ برای دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز محفوظ است.

سخن آغازین

قرآن با کسی ننشست جز آن که پس از برخاستن با فزونی یا کاستی برخاست؛ فزونی در راهیابی و کاستی در کوری و گمراهی. (حضرت علی علیه السلام)

... هنگامی که به لطف صاحب قلم، قصد کردیم این پژوهش قرآنی را آغاز کنیم، آغاز و انجامی مد نظرمان نبود، به یکباره، خود را بلبلِ یافتیم دلشده در باغستان کلام آسمانی؛ هر وقت بر گلی نشستیم، مسحور زیبایی آن گشتیم ولی تصوّر نمی کردیم انتشار آن بیش از دو دهه طول بکشد! سرگشته با زبان قلم، آوازی هر چند ناقص در رسای آن گل‌ها خواندیم. در خلصه‌ی استشمام، چشم کم‌سوی‌مان، پاهای ناتوان‌مان و زبان قاصرمان در برابر عظمت این درخت پرشکوفه بسی حقیر بود ولی وجودمان به سقوطی ناگزیر تن داد. وه!! چه سقوطی و هبوطی که معنای عمیق عروج بود. در زیبایی و افسونگری هر یک از واژگانش مجنون شدیم و مجنون‌نامه‌ای نگاشتیم.

چراغ دیده‌ی‌مان تا سپیده سوخت، خواب را بدرود کردیم، خستگی جسمی را نپذیرفتیم، چه؛ سه شوق ساده ولی نیرومند بر زندگی‌مان فرمان می‌دهد، یکی سودای عشق، یکی خواندن و نوشتن و دیگر همدردی با آلام انسانی. این راهی است که در زندگی پی‌موده‌ایم و آن را شایسته زندگانی یافته‌ایم، اگر بار دیگر موهبت زندگانی عطای‌مان شود با خوش‌حالی همین راه را خواهیم پیمود.

ما در قرآن زیبا، معانی زیبا یافتیم، نظم و پیوستگی آیات‌اش همانند رشته مروارید منظومی است که به راحتی از کلمه‌ای به کلمه‌ای و از آیه‌ای به آیه‌ای سیر می‌کند و هر پژوهشگری را مجذوب خود می‌نماید. آری امیدی هست که بیش‌تر لذت ببریم. در سودای انباشت چیزی نباشیم، در سکوت کلمات‌اش محو شویم، در گوش‌های شنوای‌مان، تمامی حروف‌اش آواز می‌خواند با این حال، دانش مختصر را چیز خطرناکی می‌دانیم، باید یا دنبالش نرویم یا خود را سیراب کنیم.

در این چشمه‌ی جوشان، جرعه‌های کوچک و رقیق، آدمی را مست و بی‌خبر می‌کند اما نوشیدن ساغرهای پر بار، شخص را به هوشیاری باز می‌گرداند.

در مورد الفاظ و کلمات اش، «راغب اصفهانی» در مفردات و «علی اکبر قرشی» در قاموس قرآن تحقیقاتی انجام داده‌اند. هر چند در تفاسیری مانند «مجمع البیان»، «جوامع الجامع» و «کشف الاسرار» هم بعضی کلمات و واژه‌های قرآنی شرح داده شده است.

تا جایی که اطلاع داریم همه‌ی این‌ها از جنبه‌ی مفاهیم قرآنی کار کرده و از ذکر موارد صرفی و مشتقات کلمات غالباً چشم‌پوشی نموده‌اند. ضرورت ایجاد می‌کرد که در کنار این‌ها منبعی برای استفاده‌ی دانشجویان تحصیلات تکمیلی باشد که مشروحاً به هر دو جنبه‌ی لغوی و صرفی الفاظ قرآن بپردازد.

اندکی توجه به تاریخچه‌ی علم صرف نشان می‌دهد که نخستین کسی که این علم را به او نسبت داده‌اند «ابوعلی معاذ بن مسلم» است و پس از وی دانشمندان بزرگ و علمای توانا به پاسداری، تدوین و تکمیل علم صرف و فن اشتقاق و به تشریح قواعد و تعلیم مبانی آن همت گماشتند؛ از قبیل «ابوالحسن علی بن حمزه بن عبدالله بن فیروز کسایی»، مؤلف الافعال و «ابن کثیر فراء کوفی»، مؤلف الاشتقاق و «اخفش اصمعی باهلی مازنی»، مؤلف کتاب التعریف، «مبرد بصری»، مؤلف اشتقاق در صرف و ده‌ها دانشمند دیگر زحمتهای شایانی کشیده‌اند لکن به گونه‌ی حاضر، پژوهش جامعی انجام نگرفته بود و این افتخار نصیب معلمان کوچک دانشگاه شد که برای نخستین بار کلمات معتل، مهموز و مضاعف کتاب آسمانی را از جنبه‌های مختلف مورد مذاقه دهند. شایان ذکر است در این پژوهش، ترتیب کلمات مندرج بر اساس حروف الفبایی ریشه‌هاست. همچنین برای معانی صدها لغات معتل، مهموز و مضاعف قرآن کریم از ترجمه‌های مختلف سود برده شده است ولی برای آنچه به عنوان مرجع استفاده گردیده ترجمه استاد «عباس مصباح زاده» است.

برعهده‌ی ما نیست که حتما در کارمان نقصانی نباشد، اما برعهده‌ی ماست که به آنچه از نور الهی به دست آورده‌ایم وفادار مانیم. برعهده‌ی ماست که در کنار دوستداران علوم قرآنی باشیم. برعهده‌ی ماست لحظه لحظه‌ی حیات علمی‌مان قدردان استاد دانشمند جناب آقای **دکتر خلیل حدیدی** باشیم که انجام این پژوهش قرآنی، ثمره‌ی تاکیدات معظم له بود. عزم‌مان را جزم کرده‌ایم که در این جهان، لذت و خوشنودی از مطالعه‌ی قرآن را در خود حفظ کنیم.

ترس از فقر، ترس از ملامت و انتقاد، ترس از بیماری، ترس از تنهایی و ترس از مرگ، هیچ کدام نباید جوهر فضیلت را در آدمی بخشکند. شرافت ما نحوه‌ی زندگی ماست. غنیمت بشماریم فرصت‌های خدمت به دین و بشریت را، که بر همه کس در زندگی پیش می‌آید. نه، این کرده‌های ما نیست بلکه ناکرده‌های ماست که در هنگام غروب، دلمان را به درد می‌آورد.

نیاز نبود که خواسته‌های خود را فریاد کنیم، در ورطه‌ی پر آشوب و توفان‌زای محیط‌های علمی! ترسان نبودیم و خواسته‌های صرف مالی نداشتیم، با خونابه‌های فراوان و دستان تهی، دانشگاه‌ها تاسیس کردیم و بنیاد موسسات فرهنگی متعدد را آبیاری نمودیم. لکن نابود کردن خدمت کسی را کمتر از کشتن یک انسان نمی‌دانیم! آرامش، پایان تلاش‌های‌مان نیست، شادی پایان حزن‌های‌مان نیست.

ممکن است در ایران عزیزتر از جان‌مان، هیچ شیپوری را برای‌مان ندمنند یا هیچ زنگی به افتخارمان به صدا در نیاید، اما کتاب زندگانی‌مان از عشق کار لبریز است. این ما نیستیم، باز این ما نیستیم، این نسیم عشق است که در ما می‌وزد، نسیمی لطیف که دنبال بهشت موعودش نیست به دنبال حوریان و پریانش نیست به دنبال خود اوست. به جرعه‌ای از قناتش راضی هستیم، هیچ نجوایی زیباتر از عشقش برای‌مان وجود ندارد.

هیچ احساسی را آزرده نمی‌کند، آیا کسی هست که می‌خواهد ما را بیازارد؟ در را باز می‌کنیم و پذیرای‌شان هستیم! حتی اگر دایره‌ای بکشند و ما را برون بگذارند نام کافر و طاغی و هر نام زشت

دیگر بر ما نهند، باکی نیست ما و عشق آن قدر ذوق داریم و صبوریم که در این بازی فلک برنده شویم. به حول و قوه‌ی حق، دایره‌ای بزرگ‌تر می‌کشیم تا خطوط دیگر را در برگیرد.

روایه‌های زندگی‌مان چندان تیره نیست که برخی حکیمان و شاعران گریان ادب فارسی مثل مسعود سعدها گفته‌اند. گاهی کمی باران کمی لبخند از یک روز خوش خبری می‌دهد. قبول داریم بعضا ابرهای غم‌آلود، آسمان دانشگاه‌های‌مان را می‌پوشانند و محیط‌های علمی‌مان را مایوس و تاریک می‌کنند اما همه ناپایدارند و گذرا؛ تندی هست که ابرها را می‌شکافد و راه را بر نور می‌گشاید. در این دوران کوتاه زندگانی نگذاریم سزاوار تباهی و شر باشیم، همه‌ی شرارت‌ها و بدی‌ها نوعی عجز و ناتوانی است البته در هر شری، جوهری از خیر هم نهفته است.

بگذاریم ازدهای آدمی‌خوار از ما گرسنه بماند، ثروت را سبک شماریم، شهوت را خوار داریم و شهرت را باطل بدانیم حتی از شیطان درس اخلاق بگیریم، با تمسک به آموزه‌های قرآنی سربلند زندگی کنیم و با تبسم مستانه‌اش بپذیریم. ناراحتی کسی را آرزو نکنیم، چه؛ مرگ هر کسی از ما می‌کاهد ما در جمله‌ی بشریت حضور داریم.

برترین خیر و خوبی، شاد زیستن است، هدفمند بودن است. ما با دوستان زیاد و نیکوکار؛ زندگی دلخواه‌مان را می‌خواهیم، همین شغل شاد، همین کتاب‌های شادای بخش و نان حلال معلمی برای‌مان کافی است.

آدمی را می‌توان شناخت از کتاب‌هایی که می‌خواند و می‌نویسد، دوستانی که دارد و ستایش‌هایی که می‌کند لباس‌ها و سلیقه‌هایش، از داستان‌هایی که نقل می‌کند، از طرز راه رفتنش، حرکات چشم‌هایش، ظاهر خانه و اتاقش، هیچ چیز بر روی زمین مستقل و مجرد نیست بلکه تا بی‌نهایت با هم پیوند و تاثیر و تاثر دارند.

پاک‌ترین گنجینه‌ای که در این زندگی فانی کسی را نصیب می‌شود یک آبروی درخشان و یک نام و شهرت از قبل یک شغل بی‌عیب است، چه زیباست دانشجوی ادبیات بودن چه فرح‌بخش است معلم و متعلم ادب و ادبیات قرآنی ماندن، به شان خود بیاییم.